

عالم انسان دینی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

اصغر طاهرزاده

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰-

عالم انسان دینی / طاهرزاده، اصغر. - اصفهان: لب‌المیزان، ۱۳۸۸.  
۹۴ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۱۶-۱

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا  
کتابنامه: ص. ۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱- خودشناسی - - جنبه‌های مذهبی - - اسلام. ۲- خدا و انسان. ۳- انسان (دین).  
الف. عنوان.

۲۹۷/۶۳

BP۲۵۰/۲۴۶۲ ۱۳۸۸

۱۷۰۳۳۰۷

کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir

عالم انسان دینی

اصغر طاهرزاده

نوبت چاپ: ششم

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح جلد: گروه فرهنگی المیزان

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ است

مراکز پخش:

۱- گروه فرهنگی المیزان

۲- دفتر انتشارات لب‌المیزان

تلفن: ۷۸۵۴۸۱۴ - ۰۳۱۱

همراه: ۰۹۱۳۱۰۴۸۵۸۲

## فهرست مطالب

۷	.....	مقدمه
۹	.....	عالم انسان دینی
۱۱	.....	معنی «عالم»
۱۳	.....	عبور از ماهیات
۱۶	.....	ارتباط جنبه‌ی وحدانی انسان با احد
۱۹	.....	عالم دینی و واردشدن در بقای خود
۲۱	.....	به‌سربردن با «وجود»
۲۳	.....	بودن متصل به مقصد
۲۵	.....	دستورات دینی و عالم دینی
۲۸	.....	عالم دینی و کشف جایگاه احکام الهی
۳۱	.....	عبادات؛ عامل ورود به عالم وحدت
۳۳	.....	وقتی انسان جای خود را گم کرد
۳۶	.....	معنی آرامش با خدا
۳۸	.....	نجات از نیستی‌ها

عالم انسان دینی.....

- ۴۱ ..... فرهنگ غربی و بی‌عالمی
- ۴۵ ..... فرهنگ غفلت از درون
- ۴۸ ..... آثار بی‌عالمی نسل امروز
- ۵۱ ..... نظر به انسان‌های معصوم؛ عامل ورود به «عالم دینی»
- ۵۴ ..... تفاوت برخورد انسان دینی و انسان مدرن با طبیعت
- ۵۶ ..... بی‌وطنی بشر مدرن
- ۵۹ ..... بحران امیال
- ۶۲ ..... عالم غیر دینی و آینده‌ای تخریب‌شده
- ۶۶ ..... طبیعت؛ منظر جمال الهی
- ۶۷ ..... ارتباط
- ۶۹ ..... عالم دینی و مشخصات آن
- ۷۳ ..... معنی بازگشت به خود
- ۷۷ ..... زندگی در وطن مألوف
- ۷۸ ..... در چه عالمی زندگی می‌کنیم؟
- ۸۱ ..... چگونگی زندگی در عالم دینی
- ۸۴ ..... تفاوت حوزه با دانشگاه
- ۸۶ ..... گذر از چیستی به سوی هستی

## مقدمه

باسمه تعالی

وقتی می بینیم بشر امروز از روزگار خود به تنگ آمده و به دنبال گمشده‌ای است تا از این عسرت بهر آید، آیا نباید از خود پرسید آن گمشده چه چیزی است که در اوج رفاه، باز فقدان آن را احساس می‌کند؟ وقتی انسان برای خود عرصه‌ای بیش از آن چه بدرنیته در جلو او می‌گذارد می‌طلبد، و احساس می‌کند در دنیای مدرن شأن حقیقی او فراموش شده، و در بین انبوه انسان‌ها، انسان‌های تبدیل شده به توده و بیگانه از هم، که در برهوت زندگی سرگردان شده‌اند، هیچ کس به هیچ کس گوش نمی‌دهد، حال چه باید کرد؟

وقتی دردی ناپیدا ولی آزاردهنده بشر را احاطه کند و بشر در توجه متفکرانه به آن ناتوان باشد، چه چیز پیش می‌آید؟ سرگردان و بی‌دفاع، هر چه می‌خواهد از آن درد ناپیدا فرار کند، به آن نزدیک‌تر می‌شود. اگر

راه برون‌رفت از این سرگردانی جستجو نشود ما با چه بشری روبه‌رو خواهیم بود؟

وقتی انسان‌ها از نیستان وجود خود دور افتاده‌اند و هیچ‌کس از درون هیچ‌کس ناله‌ی فراق و دوری از نیستان را نمی‌شنود، و هرکس از «ظنّ خود شد یار من» و هیچ چشم و گوش را آن نور نیست که ناله‌ی نی را به آتش عشق اشتیاق به نیستان تعبیر کند، چه باید کرد؟

وقتی انسان‌ها دیگر عزم عزیمت به عالم قدس را از دست داده‌اند و هیچ‌کس از «حقیقت» سؤال نمی‌کند و عهد با خدای متعالی فراموش شده و بشر خود را با آنچه فرهنگ مدرنیته به او پیشنهاد می‌کند، تعریف می‌کند، کار به کجا می‌انجامد؟

این پرسش‌ها، پرسش‌های معمولی نیست، پرسش‌هایی است که تاریخ هرکس را مورد سؤال قرار می‌دهد و ارتباط او را با خود و سایر موجودات معلوم می‌کند. پرسش از یک عصر است ولی نه برای هماهنگی با آنچه می‌گذرد، بلکه برای توجه به افقی که باید بدان نگریم و از پریشانی تفکر رها شد.

«عالم انسان دینی» که در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، عالمی است که ما را متوجه آنس با حقیقت می‌کند و زیبایی را که در به‌سربردن با آن عالم ظاهر می‌شود، می‌نمایاند، و نه تنها ریشه‌ی بحران بی‌هویتی بشر مدرن را می‌شناساند، بلکه راه برون‌رفت از آن را نیز متذکر می‌شود، تا هرکس عزم عزیمت داشت بتواند قدمی جلو بگذارد.

**گروه فرهنگی المیزان**